

۲۲

راهکار

شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۰ - طرح‌های کارآمد برای هیأت‌ها



راهکاری برای
احیای پیاده‌روی
اربعین‌جامانندگان



یک طرح کارا، طرح‌های کارآمد برای هیأت‌ها
شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۰

چاوش اربعین

راهکاری برای احیای پیاده‌روی اربعین جاماندگان

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: حسین احرامیان

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۱۵۴۲-۳۰۰۰

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم ربیعین اہم

مقدمہ

حجت الاسلام محمد مهدی فاطمی صدر مشاور مجمع تشکل‌های بین‌الملل که با حرکت پیاده‌روی «الی بیت المقدس» نامش بر سر زبان‌ها افتاده است؛ در روز قدس سال گذشته برای عبور از محدودیت‌های کرونا طرح شناسایی نقاط چاووش و حرکت به سمت این نقاط را با رعایت کامل دستورالعمل‌های بهداشتی ارائه داد. از این طرح که با عنوان حرکت پیاده‌روی «الی بیت المقدس» رونمایی شد، در کشورهای مختلف هم استقبال خوبی صورت گرفت و توانست حرکت جمعی و شبکه قابل ملاحظه‌ای را در راه آرمان فلسطین رقم بزند.

ایشان معتقد است باید از ظرفیت عظیم اربعین برای تکریم روز جهانی قدس استفاده کرد و تأکید دارد می‌شود اربعین را توسعه داد و بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب، روساخت‌های روز قدس را بر زیرساخت‌های اربعین سوار کنیم و از این ظرفیت عظیم اربعین در جهت تکریم روز جهانی قدس بهره ببریم.

این شماره از یک طرح کارا به تشریح نگاه مشاور مجمع تشکل‌های بین‌الملل در رابطه با روساخت‌های روز قدس و زیرساخت‌های اربعین و نسبت مطلوب این دو پرداخته است که تقدیم محضر عزیزان می‌گردد.



در شرایطی که سخن از لغو و محدودیت مراسم پیاده‌روی اربعین هست، چگونه می‌توان نقش‌آفرینی کرد؟

تکلیف ما مشخص است. آخر، کار امام حسینی اینجوری است که ما هیچ قاعده‌ای برایش قائل نیستیم. کارهایی که باید انجام بشود، اگر بتوانیم در هر شرایطی انجام می‌دهیم، هر چقدر که از دستان بیاید. ما در اربعین امسال باید چند کلیدواژه را خوب تبیین کنیم تا بتوانیم اربعین را به خوبی پیش ببریم. اگر این اتفاق بیفتد می‌توانیم بسیاری از قطعات دیگر اربعین را هم در چارچوب‌های خودمان بازتعریف کنیم. حضرت آقا تعبیر «تمدنی» را درباره اربعین به کار می‌برند؛ حتی اخیراً دیدم که ایشان در دهه پنجاه متوجه این اتفاق بودند و به ظرفیت‌های اربعین فکر می‌کردند. اگر هدایت و نگاه ایشان نبود، شاید ما در ماجرای اربعین، مسیر دیگری را در پیش می‌گرفتیم. اگر در اربعین به اینجا رسیدیم به حساسیت‌های ایشان برمی‌گردد. ایشان از دهه چهل و پنجاه با اربعین درگیر بودند و اربعین

را دیدند و فهمیدند و شاید مترصد این بودند که بتوانند روزی اربعین را در داخل خاک ایران بیاورند و ایران را درگیر کنند. کشور، درگیر اربعین شده است و کم کم دارد به سنت تبدیل می‌شود؛ اما خاک ایران هنوز درگیر اربعین نشده است. اربعین ظرفیت بسیار عظیمی دارد. ما باید درباره ظرفیت اربعین صحبت کنیم و بتوانیم آن را به خوبی تبیین کنیم. الان پیش‌فرض ما این است که اربعین روی زیرساخت‌ها و سنت‌های محرم توسعه پیدا کرده است. من فکر می‌کنم شاید الان در نقطه عطف اربعین ایستاده‌ایم و بنای آن بر سنت‌های محرم یکی از الطاف خفیه الهی است. الان دارد برعکس می‌شود. خیلی واضح است که امسال برنامه نجات و احیای محرم را در بازگشت به راه‌های اربعین داریم. نقطه عطف این همه‌گیری این است که اربعین را روی قطعات و چارچوب‌های تمدنی شیعی برگردانده است؛ یعنی تمدن شیعی را روی شریان‌های اربعین بازتعریف می‌کنیم. این لطف خفیه الهی درباره ما بود. یکی از مفاهیمی که باید به آن بپردازیم، مفهوم «پیاده» در تلفظ عربی و «پیاده» در تلفظ فارسی است. ما طی صدها سال، پیاده‌روی به سمت عتبات عراق، حرمین مدینه و مکه و قدس را داشته‌ایم. سنت پیاده‌روی نه فقط در بین مسلمان‌ها که حتی در بین مسیحی‌ها هم خیلی پررنگ است. در این مدت بین پیاده‌روی موضوعی و پیاده‌روی طریقی خلط شده است. این دو چه تفاوتی باهم دارند؟ زمانی برای خرید روزانه پیاده می‌روم و اگر این احتیاجات رفع شود و مثلاً در خانه نان باشد دیگر نیازی به پیاده رفتن ندارم. اگر امکان سواره رفتن به مسجد باشد، دلیلی نمی‌بینیم پیاده برویم. این پیاده‌روی‌ها طریقی است. در پیاده‌روی‌های طریقی پیاده رفتن به خودی خود موضوعیت ندارد. در گذشته که وسیله نقلیه نبود و مردم به سمت عتبات می‌رفتند هم، پیاده‌روی طریقی انجام می‌دادند و اگر توانش را داشتند و اسبی یا شتری پیدا می‌کردند، طبیعی بود که پیاده نمی‌رفتند، اما پیاده‌روی موضوعی یعنی

اینکه من پیاده می‌روم و پیاده رفتن برای من موضوعیت دارد و خود مسیر پیاده رفتن برای من مهم است. در مقام تشبیه، پیاده‌روی موضوعی شبیه کسانی است که برای سلامتی و برای ورزش پیاده‌روی می‌کنند. پیاده‌روی اربعین را ابتدا سید محمود هاشمی بزرگ آغاز کرد که خیلی در تاریخ، محوریت دارد و بعد بقیه به ایشان ملحق شدند. پیاده‌روی اربعین یک پیاده‌روی موضوعی است. در زیارت عتبات هم آدم‌هایی هستند که مسیر، برایشان موضوعیت دارد و پیاده‌روی موضوعی انجام می‌دهند. عراقی‌ها این پیاده‌روی را از خاندان‌های ایرانی که آنجا درگیر بودند و پیگیری می‌کردند، می‌گیرند. چون به نظر می‌رسد ابتکار عمل در اختیار علما بوده و علمای ایرانی و خاندان‌های ایرانی در نجف و کربلا عاملی بودند تا پیاده‌روی موضوعی اربعین که مدتی افول کرده بود، دوباره باب می‌شود. در پیاده‌روی موضوعی اربعین، نگاه این است که ما پیاده‌نظام ظهور هستیم و از این طریق به مشاهد ائمه می‌رویم تا برسیم به خاتم‌الاولیاء؛ این مفهوم پیاده یا پیاده است. این نگاه، ما را به سمت فهم نگاه تمدنی اربعین می‌رساند. عراقی‌ها هم مثل ما متوجه فهم تمدنی اربعین هستند و ما در این راه تنها نیستیم. اربعین حتی زیر فشار صدام هم تعطیل نشد و با سقوط صدام کم‌کم اوج گرفت و گسترش پیدا کرد. دوست عراقی ما تعریف می‌کرد که بعد از سقوط صدام، نیروهای عراقی وقتی خیل جمعیت را در مسیر پیاده‌روی می‌دیدند می‌گفتند: «اژدهای سیاه» به راه افتاد. آمریکایی‌ها متوجه شده بودند که با چه تهدیدی روبه‌رو هستند و کاملاً می‌فهمیدند که اگر این را رها کنند، خیلی برایشان مشکل درست می‌شود.

مفهوم دیگر که باید تبیین شود، «پیاده از خانه» است. در سنت تاریخی عراقی‌ها، حرکت پیاده از دم در خانه‌ها شروع می‌شود. از هر جایی که محب و شیعه‌ای هست شریان پیاده از خانه شروع می‌شود. در واقع الگوی الهی این است که حرکتشان را از در خانه خود در روستا یا شهر

شروع می‌کنند، به هم می‌پیوندند و به مسیرهای اصلی و متراکم می‌روند تا به عتبات می‌رسند. مجموعه روایت‌هایی هم تأکید دارند که «**مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ، يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ كَانَ مَاشِئاً...**» حرکت پیاده از خانه شروع می‌شود و ما از خانه باید شروع کنیم و قدم به قدم جلو برویم. پس حرکت پیاده از منزل، ریشه روایی دارد و یک سنت تاریخی در عراق است. می‌رسیم به مفهوم سوم. از مفهوم سوم می‌خواهم به داستان اربعین ورود کنم. من اربعین را به عنوان زیرساخت بقیه مناسک می‌بینم. بعید نیست از همین مسیر پیاده به سمت قدس یا به سمت مکه و مدینه برویم. اگر زیرساخت‌های تمدنی اربعین را در این چهارچوب مهیا کنیم، حتی می‌توانیم روزی پیاده به سمت قدس برویم یا پیاده به سمت مکه و مدینه. اینجا ما مفهومی به اسم «اربعین از مبدأ» داریم. نقطه مقابل اربعین از مبدأ، اربعین از مقصد است. اگر به مفهوم پیاده و مفهوم پیاده از خانه برگردیم، متوجه می‌شویم اسلوبی که در احیای اربعین در داخل ایران وجود دارد، اسلوب اربعین از مقصد است و این خلاف آن اسلوبی است که در عراق مواجه هستیم. در عراق این اسلوب، اسلوب اربعین از مبدأ است. اربعین از مبدأ یعنی همین پیاده از خانه. در این اسلوب دیگر فقط خود پیاده‌روی جزئی از ارکان اساسی نیست، آن وقت همه اینها از مبدأ اتفاق می‌افتد. جزئی از اربعین، پیاده رفتن است؛ بقیه امور در اربعین مثل موکب‌داری کردن، خدمت کردن و شبکه کردن و فرهنگ‌سازی کردن، حتی سطوح سیاست‌گذاری و گفتمان‌سازی همه اینها موضوعیت پیدا می‌کند. آن وقت اگر خودمان هم بخواهیم سیاست‌گذاری کنیم اربعین را از مبدأ می‌بینیم. شریان‌های اربعین از مبدأ شکل می‌گیرد و موکب‌داری‌اش هم به همین نحو است، خدمت‌گذاری‌اش به همین نحو و شبکه‌سازی هم در همین چهارچوب انجام می‌شود، ولی آن چیزی که ما از اربعین شناختیم، اربعین از مقصد است.

اربعین از مقصد را دقیق‌تر توضیح بدهید:

به این معنا که ما آمدیم اربعین را در آن هفتاد، هشتاد کیلومتر آخرش و از جاده نجف به کربلا خلاصه کردیم و شناختیم و این را اربعین می‌دانیم. وقتی می‌گوییم پیاده‌روی اربعین، مقصودمان پیاده‌روی فاصله بین نجف تا کربلاست از جاده کویر. ۹۹/۹ درصد ایرانی‌ها این طور فکر می‌کنند. موکب‌داری و خدمت‌رسانی و شبکه‌سازی ما هم متأثر از همین نگاه است. تازه قدری به طریق علما و طریق سبایا توسعه پیدا کرده است. در کل اربعین، فقط برای این جاده، سیاست‌گذاری می‌کنیم. نمونه زنده‌اش هم همین الان است که ما می‌گوییم اربعین امسال تعطیل است. چرا؟! چون این جاده، بسته است. اربعین تعطیل است، چون این جاده تعطیل است. اربعین را بیش از جاده نمی‌شناسیم و نفهمیدیم. نظریه‌پردازی‌هایمان هم به همین شکل است. کلی تحلیل داریم که ساختار اربعین را با موکب‌های دولتی به هم ریختیم و ... اما وقتی از عراقی‌ها می‌پرسیم



که این حضور ما و این موکب‌داری ما در اربعین شما چقدر تأثیر گذاشته؟! می‌گویند تقریباً هیچی. می‌گویند ما اساساً متوجه و متعرض حضور شما نشدیم. چرا نشدند؟! به خاطر اینکه اگر شما مسافتی حساب کنید، شریان‌های پیاده اربعین در داخل خاک عراق از مبدأهای مختلف شروع می‌شود و به هم می‌پیوندند و بعد می‌رسند به کربلا. طول این شریان‌ها دو سه هزار کیلومتر است و مسیر نجف تا کربلا فقط هفتاد هشتاد کیلومتر بیشتر نیست. ما از جریان اربعین در عراق فقط به چهار پنج درصد آخرش بسنده کردیم؛ یعنی فقط به مقصدش. از انبوه جمعیتی که راه افتادند، جمعیت کمی را در مسیر نجف می‌بینیم. بقیه کجا می‌روند؟ می‌روند به سمت قاسم، به سمت حله، به سمت هندیه و به سمت کربلا. مثل ما از دروازه جنوبی وارد کربلا نمی‌شوند، از دروازه شرقی وارد کربلا می‌شوند. غیرعراقی‌ها از دروازه جنوبی وارد کربلا می‌شوند. عراقی‌ها به شوخی یا جدی می‌گویند این مسیر اجانب است یا مسیر آدم‌هایی که اربعین‌شان پروازی است! آدم‌هایی که کارشان را از فرودگاه نجف شروع می‌کنند. می‌خواهم بگویم شکل ورود ما به اربعین و فهم ما از اربعین، اربعین از مقصد است. من می‌توانم تقریباً این ادعا را داشته باشم که عمده عراقی‌ها اساساً ما را ندیدند. موکب‌های ما را هم ندیدند و متوجه حضور ما نشدند که ما نگران به هم ریخته شدن ساختار اربعین باشیم. تقریباً هیچ ارتباطی با بدنه و زیست مردم نمی‌گیریم. در صورتی که در آن ساختار شریانی اربعین، انبوه شهرها و روستاها درگیر هستند. راه این است که باید اربعین را از مبدأ شروع کنیم، از دم در خانه‌هایمان. آن وقت پیاده‌روی ما از دم در خانه‌ها شروع می‌شود، خدمت‌رسانی از در خانه‌ها شروع می‌شود، شبکه‌سازی ما همین‌طور، سیاست‌گذاری و بودجه‌ریزی ما همین‌طور و نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی ما هم همین‌طور. کل اربعین را از مبدأ باز تعریف می‌کنیم.



گام بعدی چیست؟

گام بعدی کلیدواژه پیاده‌روی از عمق است. وقتی من در اینجا از مفهوم پیاده‌روی استفاده می‌کنم، منظور کل روند اربعین از جلوی در خانه تا گفتمان‌سازی و ... است. پیاده‌روی عمیق یعنی اینکه ما ناگزیریم که به عمق لیست خودمان یا به عمق ناشی از فاصله مبدأ به مقصد برویم. در فاصله نجف تا کربلا همه هم‌عمقیم. باید از درب خانه شروع کنیم؛ از خرمشهر، شیراز، قم، تبریز، مشهد و هر جایی که هستیم. با این نگاه به سرعت، پیاده‌روی می‌شود پیاده‌روی عمیق. اگر اربعین از مبدأ داشته باشیم، پیاده‌روی‌مان، پیاده‌روی عمیق می‌شود. موکب‌داری و ... هم همین‌طور. آن وقت اولین موکب را باید در قم و تبریز و مشهد بزنیم تا برسیم به عراق. الان اولویت اول موکب ما این است که در کربلا باشیم، نشد عمود نهصد، هشتصد، ششصد، نشد نجف، نجف هم نشد... هیچی، موکب‌داری کلا تعطیل. خیلی بعید و اندک است که کسانی بیرون از نجف موکب‌داری کنند. اگر اربعین را از مبدا شروع کنیم وضعیت کاملاً عکس می‌شود. چهارچوب اربعین از مبدأ، پیاده‌روی ما را عمیق می‌کند نقطه مقابل پیاده‌روی عمیق، پیاده‌روی عریض است. اگر به اربعین به عنوان یک سامانه هویتی نگاه کنیم، نباید تبدیل به سنت شود. الان اربعین کم‌کم دارد مبدل به سنت ما می‌شود و به اعتقاد من شده است و این کار آدم‌های هویت‌طلب را سخت می‌کند. برای همین سال به

سال خاطره گفتن و خاطره نوشتن از اربعین کار سخت‌تری است. اربعین در حال توسعه عرضی در جاده نجف کربلاست، به خاطر همین نگاه مقصدمحوری که توضیح دادم. در طول، اساساً تعریفی وجود ندارد و به قبل و بعد از جاده فکر نشده است و ایده‌ای نداریم تلاشمان این است که در عرض موکب‌هایمان متنوع‌تر فشرده‌تر و عمیق‌تر شوند به جای تاکید روی پیاده‌روی، روی موکب‌داری تأکید می‌شود.

موکب‌داری را جوری تعریف می‌کنیم که به توقف پیاده‌روی منتهی شود تا بتوانیم طرح بزنیم، توضیح دهیم، پوستر بزنیم و نمایشگاه بزنیم. توسعه عریضی اربعین، اصالت دادن به موکب‌داری است تا اصالت دادن به پیاده‌روی، اصالت دادن به توقف است تا اصالت دادن به حرکت، طبیعتاً اگر اربعین را طولی توسعه بدهیم، وارد خاک ایران هم خواهد شد و ما اربعین ایرانی خواهیم داشت و از اینکه اربعین ماهیت کاملاً عراقی داشته باشد خارج خواهیم شد. حضرت آقا هم اشاره‌ای داشتند که میزبانی عراقی‌ها نباید به هم بریزد اگر اربعین طولی توسعه پیدا کند واضح هست دوسوم مسیر اربعین داخل خاک ایران خواهد بود آن وقت ایرانی‌ها در داخل ایران میزبانی می‌کنند و عراقی‌ها در داخل عراق.

شریان‌های تمدنی اربعین مجموعه درخت وارونه است که از سراسر امت کشیده شده و به در حرم سیدالشهدا آمده و کل عالم شریان‌بندی شده است. اربعین ما شریانی و وارونه‌درخت نیست، بلکه یک پاره‌خط است و فقط پاره‌خط نجف تا کربلا را در نظر گرفتیم و به قبل و بعدش کاری نداریم و حالت گسسته دارد تا حالت پیوسته؛ ساختار پیوسته برای اربعین از مبدا است و ساختار گسسته برای اربعین از مقصد که الان ما درگیر آن هستیم. از اینجا به کلیدواژه دیگری می‌رسیم که من اسم آن را پیاده‌روی کامل یا پیاده‌روی قاصر گذاشتم؛ در پیاده‌روی کامل از خانه شروع می‌کنیم و به کربلا می‌رسیم و ممکن است مسیر خانه ما تا کربلا به قدری

طولانی باشد که در طول عمر فقط یکبار بتوانم به این سفر بروم. این شریان‌ها در کربلا به هم می‌رسند و صبح روز اربعین این شریان‌ها باید به سمت شریان‌های حماسی بروند که همان رفتن به سمت قدس است با همان تعبیر که راه قدس از کربلا می‌گذرد. این شریان‌ها باید به سمت آرمان قدس بروند و ما از این طریق وارد جهاد در راه آرمان قدس شویم. پس باید در پی ساخت شریان‌های تمدنی اربعین باشیم. عینی‌ترین اتفاق این شریان‌های تمدنی اربعین، پیاده‌روی است و بعد از آن موبک‌داری است که سبب شکل‌گیری یک شبکه اجتماعی می‌شود؛ یک ارتش با یک ستون‌کشی مشخص در عمق کشورهای مختلف، در ۱۸۰ کشور دنیا.

نگاه شریانی به اربعین در دل خودش یک شبکه اجتماعی عظیمی می‌سازد که این شبکه اجتماعی عظیم، یک شبکه تبلیغی عظیم را در دل خودش دارد و مدل تبلیغ‌زیستی اتفاق می‌افتد. مدل تبلیغ‌زیستی کاملاً آمیخته با زندگی مردم است؛ در این مدل این مردم هستند که ما را به خانه‌هایشان دعوت می‌کنند.



یعنی امسال هم می‌توانیم پیاده‌روی اربعین داشته باشیم؟

آخرین کلیدواژه که فکر می‌کنم در موردش می‌شود صحبت کرد بحث «نقطه چاووش» است چاووش کردن یعنی از یک‌سری آستانه رد بشویم.

آستانه یعنی چیزی که برای ما چالش‌برانگیز است؛ آستانه اول، پیش‌قراول و صف‌شکن و خط‌شکن بودن است. باید این آستانه‌ها را پیدا کنیم و از آن‌ها رد شویم؛ آستانه اول همان دم در خانه خودمان است. ما در سنت خودمان هم چاووشی خواندن داشتیم، بدرقه کردن آدم‌هایی داشتیم که در این شبکه‌های اربعینی یا در این شبکه‌های پیاده حرکت می‌کردند. نقطه چاووش را باید پیدا کنیم، نقطه چاووش جایی است حوالی حد ترخص شرعی؛ قدری عقب‌تر و قدری جلوتر تا به زمین مناسبی برسیم؛ شاید این نقطه مناسب مسجد یا امامزاده‌ای باشد یا نه، جایی باشد که بشود در آن مسجدی یا تکیه‌ای ساخت و یا جایی باشد که بشود نهال کاشت و چاووشی خواند.

از دیوار شهر رد می‌شویم و به جاده عتبات می‌افتیم، می‌رویم تا برسیم به آخرین نقطه چاووش؛ آخرین چاووش، حضرت قمربنی‌هاشم و حرم حضرت عباس است تا به حرم سیدالشهدا می‌رسیم. این نقاط چاووش می‌شود کانون حرکت‌های حسینی ما و بعد از این، هر حرکت پیاده‌ای که با نگاه ظهور به سمت مکه، با نگاه مقاومت به سمت قدس، با نگاه اربعین به

سمت عتبات و یا با نگاه غدیر به سمت نجف انجام بدهیم، کانوشن نقطه چاووش می‌شود. آن وقت در شریان‌بندی جهانی، شبکه‌ای از نقاط چاووش داریم و زائری که می‌خواهد در عمرش یک‌بار خودش را به کربلا برساند، در این نقاط چاووش، روستا به روستا و شهر به شهر حرکت می‌کند و خودش را به کربلا می‌رساند. از این طریق ما می‌توانیم سراسر عالم را به سمت حرم سیدالشهدا (علیه السلام) و به سمت قلب تاریخ شریان‌بندی کنیم.

طبیعی است اگر نگاهمان اربعین از مقصد باشد، اربعین با وجود ویروس کرونا تعطیل می‌شود، اما اگر نگاه ما شریانی و اربعین از مبدا باشد، می‌توانیم امسال هم به سمت کربلا پیاده‌روی کنیم. کافی است که ما نشان کنیم نقطه چاووش شهر و روستایمان کجاست و برویم به سمت اول جاده و پرچم‌مان را برداریم صبح روز اربعین بگذاریم روی دوشمان و حرکت کنیم و آنجا سلام بدهیم زیارت کنیم و برگردیم. این ساده‌ترین اتفاق است که می‌تواند امسال رقم بخورد طبیعتاً ازدحام جدی هم نخواهیم داشت. پرچم‌مان را برمی‌داریم و به سمت خروجی شهر و به سمت کربلا راه می‌افتیم. به سمت حد ترخص شهر می‌رویم جایی که دیوار شهر تمام می‌شود و جاده عتبات شروع می‌شود؛ آنجا سلام می‌دهیم، زیارت می‌کنیم، چاووش می‌کنیم و برمی‌گردیم.

من فکر می‌کنم این الگوی چاووش کردن، چاره امسال و هر سال ما در دوران اربعین است.

صبح اربعین، در نقطه چاووش

از حدیث‌هایی که درباره زیارت پیاده حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به ما رسیده است، این طور بر می‌آید که کامل‌ترین مسیر پیاده‌روی از درب خانه هر زائر است؛ پیاده از خانه. عبارت منزل که در این حدیث‌ها مکرر آمده است در کامل‌ترین مصداق همان خانه‌های سکونت ما است تا برسیم به منزل‌های موقت در مسیر زیارت تا خانه پدری همه ما که کوفه و نجف است.

باز خوانی سنت پیاده‌روی به عتبات در عراق هم نمایای همین است که روی یک وارون‌درخت طولانی از جنوب و شرق و شمال، زائرها از خانه‌ها شروع می‌کنند و در مسیر به هم می‌پیوندند و در شریان‌هایی عمیق، گاه از مبدأ ساحل خلیج فارس یا مرز ایران، به حرم‌های مطهر می‌رسند. این پیاده از خانه و این پیاده‌روی عمیق ماهیتی است که چه در مناسک اربعین و چه در روزها و شب‌های زیارتی دیگر کمابیش به مقصد کربلاء و نجف و کاظمین و سامراء با آن مواجه هستیم.

یعنی در عراق جدای از اربعین و نیمه شعبان و عرفه، حتی در شب‌های جمعه معمول نیز باز عده‌ای از زائران هستند که از شمال و جنوب و شرق خود را پیاده به شب زیارتی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا می‌رسانند.

با این همه، به خصوص در مسیرهای عمیق پیاده‌روی مانند فاو در جنوب و عماره در شرق و بغداد در شمال همه زائرها همه مسیر را پیاده طی نمی‌کنند و بناء به محدودیت ممکن است نصف روز یا یک ساعت از خانه پیاده بروند و پس از آن گاه سواره ادامه دهند و یا حتی به خانه برگردند.

این پیاده‌روی قاصر و مختصر چاره همان جریانی است که در ایران جامانده‌ها خوانده می‌شوند. یعنی شروع پیاده‌روی از خانه و انجام زیارت در لبه بیرونی شهر و روستا رو به عتبات و بازگشت به خانه.

در سنت تاریخی زیارت در ایران ما مواجه با نقاطی در خروجی شهر و روستا به طرف عتبات عراق بوده‌ایم که برای زائران پیاده و سواره چاووش می‌خوانده‌اند و بدرقه‌شان می‌کرده‌اند. نقطه چاووش همان جایی است که می‌تواند نهایت پیاده‌روی قاصر جامانده‌ها باشد، اگر چه برخی مانند مرحوم علی‌اکبر ابوترابی سال‌ها پیش تا نقطه چاووش ایران در صفر مرزی هم می‌رفته‌اند و در مرز خسروی زیارت عرفه می‌خوانده‌اند.

زائران پیاده‌ای که پیوسته و کامل تا کربلا می‌روند تنها در نقطه چاووش نفسی تازه می‌کنند و بدرقه می‌شوند و سپس به جاده عتبات می‌زنند، زائرهای قاصر و گسسته و جامانده اما از خانه تا نقطه چاووش پیاده می‌روند و از همان جا زیارت می‌کنند و پرچم‌شان را می‌کوبند و سلام می‌دهند و باز می‌گردند.

نقطه چاووش آخرین نقطه شهر و روستا به طرف عتبات است و طبیعی است که روی مسیر پیاده‌روی کامل به کربلاء قرار می‌گیرد. در پیاده‌روی پیوسته البته ممکن است ما تا حائر حسینی برسیم و یا ناگزیر باشیم در فاصله کوتاه یا بلند از آن زیارت کنیم و برگردیم. واقعیت همه‌گیری امسال و جاماندگی دیگر سال‌ها کار را به این جا رسانده است که پای اکثر

ما به پیاده‌روی اربعین در عراق نمی‌رسد. چاره، دست انداختن به پیاده‌روی قاصر از خانه تا نقطه چاووش شهر و روستا در صبح اربعین است؛ «ما لا یُدْرک کله، لا یُترک کله» نقطه چاووش یک آستانه است؛ آستانه رهایش. نخستین نقطه چاووش که می‌توان چاووش خواند و پرچم کوبید و زیارت خواند و شده یک قدم به سمت عتبات پیاده رفت و سلام داد، همان آستانه در خانه ما است.

آخرین نقطه چاووش حرم حضرت عباس علیه السلام است که از آن جا به حرم حضرت اباعبدالله علیه السلام چاووش می‌کنیم و آخرین پاره پیاده‌روی را در بین‌الحرمین می‌رویم. میان این دو نقطه چاووش روستا و شهر است که جایی است دیوارهای روستا و شهر تمام می‌شود و جاده عتبات شروع می‌شود تا برسیم به نقطه چاووش کشور که همان منفذ مرزی است.

اسلوب کار هم این است که صبح اربعین و پس از آن صبح‌های جمعه تا برسیم به نیمه شعبان و عید غدیر و روز عرفه، از خانه به نقطه چاووش شهر و روستا پیاده برویم و زیارت بخوانیم و سلام بدهیم و بازگردیم تا برسیم به نهال کاشتن و تابلو زدن و مسجد ساختن در این نقطه. جایگزین کردن بردار معهود اربعین از مبدأ جای بردار معمول اربعین از مقصد، که پیاده‌روی اربعین را همان بازه کوتاه پایانی نجف-کربلاء می‌بیند، باعث می‌شود تا مناسک پیاده‌روی اربعین با هیچ اتفاقی در عراق یا ایران تعطیل نشود و شده در نقطه چاووش آستانه خانه یا لبه شهر این شعائر تعظیم شود.

هر چه بشود، پیاده‌روی در روزها و شب‌های زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را نباید ترک کرد، اگر چه به یک گام از در خانه...

تبلیغ شریانی اربعین

شریان‌های شیعی پیاده‌روی اربعین بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی عیان در عراق هستند. از ساحل خلیج فارس در فاو تا مرز ایران در عماره و بدره و خائنین تا محله‌های بغداد و سامراء و موصل، وارون درخت انبوه مسیرهای پیاده‌روی به عتبات کلان‌شاکله‌های هم‌کناری سالانه شیعیان و حتی سنیان در مناسک اربعین هستند.

چه در هم‌گامی روزانه در جاده‌ها و چه در شب‌مانی جمعی در خانه‌ها، بدنه پیاده ساعت‌ها و روزها با هم هستند و خطای عمده مبلغان ایرانی و عراقی هم این است که جای همراه شدن در این مسیر در حاشیه آن منتظر ایستادن زائرها و مطلب رساندن هستند.

زائران پیاده اما در دل این شبکه کلان اجتماعی صحبت می‌کنند و صحبت می‌شنوند و رفاقت می‌کنند و حتی به وصلت و تجارت می‌رسند و هر سال این گردهمایی سراسری در عراق شیعه و حتی بخشی از عراق سنی تکرار می‌شود. در ایران هم مسیر پیاده خوانخواه و دیر یا زود همین هیئت را خواهد یافت. این سال‌ها کاروان‌ها و زائرهای اندکی از مشهد و قم و بوشهر و اهواز و آبادان پیاده به اربعین کربلاء می‌روند، اما اندک نخواهند ماند.

با عکس شدن بردار پیاده‌روی ایرانی‌ها از اربعین مقصد و بسنده به فاصله نجف-کربلاء به اربعین از مبدأ و توسعه به تمام فاصله خانه تا عتبه، شریان‌های تمدنی اربعین در تمام پهنای

ایران گسترده خواهند شد و حتی به بیرون از آن به ترکیه و آذربایجان و پاکستان و خراسان ادامه خواهند یافت.

این وارون درخت پیاده‌روی طی دو ماه محرم و صفر زیرساخت شبکه تبلیغ پیاده‌ای در مسیر رسیدن به عتبات است که می‌توان آن را تبلیغ شریانی اربعین خواند؛ تبلیغ پیاده در جاده‌ها و موکب‌ها از خانه تا عتبه.

نزدیک‌ترین الگوی تبلیغ به این الگوی شیعی، الگوی جماعت تبلیغ سنی‌ها است، با این تفاوت اساسی که در جماعت تبلیغ مبلغ پی مردم می‌رود و در پیاده‌روی اربعین مردم پی مبلغ می‌روند.

این شاید دلیل آن است که مبلغان پیاده جماعت تبلیغ در مسجد می‌خوانند و از مردم چیزی نمی‌پذیرند و اما مبلغان پیاده اربعین در خانه‌های مردم می‌خوانند و از سفره آن‌ها می‌خورند و گاه حتی پس از جدا شدن از میزبان مبلغ بودن‌شان را کسی نمی‌داند و نیازی به دعوت کسی برای خروج در سال‌های بعد ندارند.

تجربه زیسته نویسنده از پیاده‌روی اربعین از قم تا کاظمیه و کربلاء و از خرمشهر و فاو تا نجف و کربلاء این را می‌گوید که اقتضای راه و همراهی چه در مسیر و چه در میت، پذیرش بالای زائرها و میزبان‌ها از مبلغ‌های پیاده است.

فائده دیگر تبلیغ پیاده در شریان‌های تمدنی اربعین در پهنای ایران و عراق درک عیان و عمیق از پیوستار مخاطبان امر تبلیغ است. این ادراک به ما کمک می‌کند که در باقی سال و دیگر اسلوب‌های تبلیغ از جمله محیط رایان مخاطب خود تا قلب قریه‌های دورافتاده را به دقت و درستی بشناسیم.

از طرف دیگر شاید بتوان اکنونی ما حضور دائم در تمام شهرها و روستاهای ایران نباشد یا



همه منبری‌ها و مداح‌های شاخص نتوانند در آن‌ها حاضر شوند، اما پیاده‌روی در مسیر اربعین امکان حضور مختصر و مفید در آن‌ها را فراهم می‌کند و این به تدریج به احیای معنوی این مسیر منتهی می‌شود.

در نهایت حضور زنده مبلغان مؤثر از کانون‌های حوزوی در مسیر طولانی تا عتبات، زیرساخت کارایی برای بسط دیگر گونه‌های کار جهادی در باقی روزهای سال را فراهم می‌کند...

چاووش کردن؛ شیوه‌نامه اجمالی

یک؛ نقطه چاووش روستا و شهر را بیابید. نقطه چاووش جایی است که دیوار روستا و شهر تمام می‌شود و جاده عتبات شروع می‌شود؛ جایی حوالی حد ترخص. قدری به محله‌ها عقب بیایید یا در جاده پیش بروید تا نقطه شاخص مناسبی بیابید؛ یک امامزاده، مزار شهید، مسجد، تکیه، بوستان، پل، تپه. جایی که بتوان در آن جمع شد و روضه خواند و پرچم کوید و نهال کاشت و بعدها مسجد چاووش را ساخت. برخی شهرها از پیش نقاط چاووش خود را داشته‌اند و تنها باید تثبیت‌شان کرد: تپه سلام در مشهد، حرم روح‌الله در طهران، امامزاده جمال در قم، امامزاده طاهر در کرج، حسینییه اعظم در زنجان، مزار نعمان‌بن‌مقرن در نهاوند، معراج شهداء در اهواز، یادمان شلمچه در خرمشهر. **دو؛** پای شورای شهر و روستا را باز کنید تا نقطه چاووش را تثبیت کنند؛ با نامیدن میدان و معبر و بوستان و دیگر محیط‌ها به نام چاووش، با زدن تابلوی کیلومترشمار تا کربلاء و مکه و قدس، با زدن میل پرچم، با ساختن آب‌نما، با محوطه‌سازی و نقاشی محیطی، با آوردن زیرساخت آب و برق و گاز.

سه؛ جایی را برای بنای مسجد چاووش معین کنید و تا ساخت آن تکیه و خیمه عزا را در آن بالا بیاورید و جای دیگری را به موکب چاووش بدهید، تا برسید به جانمایی مضیف چاووش.

شبکه‌ای از نقاط چاووش در شهرها و روستاهای ایران اسلامی از شرق تا غرب آن معبر و مبیت زائران پیاده عتبات خواهد بود.

چهار؛ در هر محله شهر و روستا یک نقطه میانی معین کنید؛ این نقطه میانی همان نقاط چاووش محله‌ها است؛ جایی که زائران پیاده پس از خروج از خانه‌ها در آن جا به هم می‌رسند و به نقطه چاووش شهر و روستا می‌روند.

برخی شهرها نقاط میانی شاخصی دارند: حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف، حرم حضرت معصومه (علیها السلام) در قم، حرم حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) در تهران.

پنج؛ فاصله نقطه‌های میانی تا نقطه چاووش را سامان‌دهی کنید؛ در این فاصله پرچم بکوبید و کتیبه بنزید و موکب‌ها بچینید و حتی عمودها را شماره بنزید و روی عمودها عکس علماء و شهدای شهر و روستا را بنزید.

شش؛ موقعیت نقطه چاووش و مسیرهای میانی پیاده‌روی در شهر و روستا را روی نقشه‌های عیان و رایان ثبت کنید و برای زائران پیاده تابلو بنزید: **به طرف کربلاء.**

هفت؛ اگر پیاده کامل به کربلاء می‌روید صبح روز خروج از خانه به نقطه میانی بروید و از آن جا به نقطه چاووش بروید و در ضحی چاووش کنید و به جاده بنزید.

هر شهر روز خروج خود را برای رسیدن به اربعین کربلاء دارد؛ روز خروج مشهد عاشورا است و روز خروج قم اول صفر و روز خروج خرمشهر هفتم صفر. همین روز خروج بر اساس کندرو یا تندرو بودن زائرهای هر موکب پیاده پس و پیش می‌شود.

هشت؛ اگر جامانده هستید و پیاده‌روی‌تان قاصر است صبح روز اربعین پرچم بر دوش بگیرید و به نقطه میانی بروید و از آن جا به نقطه چاووش بروید.

در ضحای روز اربعین زیارت بخوانید و سلام بدهید و چاووش کنید و بیرق‌تان را بکوبید و به

خانه برگردید. اگر موکب‌دار هستید در فاصله نقطه‌های میانی تا نقطه چاووش خدمت‌رسانی کنید.

نه؛ اگر جامانده هستید، در روز خروج با زائران کامل می‌توانید تا نقطه چاووش بروید و قصر کنید و چاووش کنید و آن‌ها را بدرقه کنید و از همان جا سلام بدهید و برگردید.

ده؛ هر زائری که کامل یا قاصر به نقطه چاووش برود، می‌تواند نهالی بکارد تا یادگار باشد و آن نقطه آباد شود؛ نهال سیب، زیتون، نخل.

یازده؛ در دیگر روزها و شب‌های زیارتی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) تا نقطه چاووش پیاده‌روی قاصر کنید به قصد زیارت ایشان. در ولادت و شهادت دیگر امامان نیز به نیت رفتن تا عراق و حجاز نیز می‌توان تا نقطه چاووش رفت و سلام داد و بازگشت.

دوازده؛ آخرین نقطه‌ی چاووش پس حرم حضرت عباس (علیه السلام) است که آخرین پاره پیاده‌روی در میان نخلستان بین‌الحرمین پس از چاووش کردن در حرم ایشان است. پرچم سرخ حضرت عباس (علیه السلام) را در نخستین نقطه چاووش که آستانه خانه است بزنید تا نقطه چاووش شهر و روستا بر فراز مسجد و تکیه و خیمه چاووش...

* خیلی وقت‌ها هست که در هیأت، دغدغه ارزشمندی داریم؛ اما نمی‌دانیم چگونه به این دغدغه پاسخ دهیم. هر چقدر می‌گردیم، راهکار عملیاتی برایش نمی‌یابیم.

* برخی مناسبت‌ها هست که نمی‌خواهیم مثل خیلی‌های دیگر از کنارشان بی‌خیالانه عبور کنیم؛ ولی نمی‌دانیم چگونه باید این مناسبت‌ها را گرامی بداریم.

* بعضی کارها و فعالیت‌ها هست که می‌خواهیم به نحو احسن انجام دهیم؛ اما راهنما و صاحب تجربه‌ای نمی‌یابیم تا به وی مراجعه کنیم.

«یک طرح کارا» طرح‌ها و پیشنهادهایی است برای هیأت‌های مذهبی.

«یک طرح کارا» می‌کوشد تا پاسخی در خور و عملیاتی برای این سوالات بیابد. چشم انتظار طرح‌ها و پیشنهادهای شما هستیم.

که به دنبال ارتباط بیشتر
مخبران سیدالشهدا (علیه السلام) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماس
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است